

اعمال صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری در خسونت‌های داخلی در بستر بی‌ارادگی دولت کنیا

جواد صالحی*

چکیده

خسونت‌های داخلی کنیا اولین فرصت اعمال صلاحیت تکمیلی را به دلیل بی‌ارادگی دولت کنیا در تحقیق و تعقیب متهمان مدنظر دیوان کیفری به دست قضات داد. دادستان از اولین فرصت انجام تحقیقات در وضعیت کنیا به تشخیص خود بهره‌برداری کرد. بی‌ارادگی دولت ذی‌صلاح در تعقیب متهمان جرایم بین‌المللی شاخص‌های متفاوتی دارد که در این پرونده با معیار «همان فرد، همان رفتار» تشخیص داده شد. دولت کنیا صلاحیت دیوان کیفری را در پذیرش وضعیت کنیا با این معیار به دلیل ابهامات آن به چالش کشید. لیکن دادستان و قضات دیوان با توسل به این معیار اثبات کردند که دولت کنیا یا تحقیق و تعقیب را علیه همان افراد مدنظر دیوان انجام نداده است، یا اینکه رفتارهای مدنظر از آن افراد را مشمول تحقیق و تعقیب قرار نداده است. سؤال این است که آیا مؤلفه‌های تشخیص معیار همان فرد، همان رفتار مدنظر دیوان دارای ابهام و مانع از اعمال صلاحیت تکمیلی دیوان در وضعیت کنیا است؟ مؤلفه‌های تعیین‌کننده این معیار در وضعیت کنیا حاکی از آن است که دولت کنیا به‌نحو مقتضی از صلاحیت خویش استفاده نکرده است. از این رو دیوان بین‌المللی کیفری صلاحیت تکمیلی رسیدگی به این پرونده را دارد.

کلیدواژگان

بی‌ارادگی، دیوان بین‌المللی کیفری، دولت کنیا، رویه قضایی، صلاحیت تکمیلی، همان فرد/همان رفتار.

مقدمه

خشونت‌های شدید با انگیزه سیاسی در سال ۲۰۰۷ سرتاسر کنیا را دربرگرفت. این خشونت‌ها به کشته شدن ۱۱۰۰ نفر، زخمی شدن ۳۵۰۰ نفر و کوچ اجباری بیش از ۶۰۰/۰۰۰ نفر منجر شد (ICC, Ruto Case, 2010: para. 4). در این وضعیت فعالان ارشد حزب دموکراتیک نقش اصلی را بر عهده داشتند. آنها برنامه‌ریزی‌های لازم را پیش از انتخابات ریاست جمهوری برای حملات خشونت‌آمیز و به آشوب کشانیدن کشور در قبال انتخاب مجدد کیباکی^۱ - رئیس‌جمهوری سابق و فعلی کنیا و عضو حزب اتحاد ملی - تدارک دیده بودند. هدایت این طرح بر عهده افرادی از جمله روتو^۲، کاسگی^۳ و سانگ^۴ بود که از مقامات عالی دولت کنیا^۵ و کابینه سابق کیباکی^۶ هستند. آنها در تلاش بودند برای به دست گرفتن قدرت سیاسی از رئیس‌جمهور قانونی کنیا که در انتخابات حائز اکثریت آرا شده بود، به سرکوب هواداران حزب اتحاد ملی و طرفداران وی پردازند.

کیباکی و نامزد رقیبش اودینگا^۷ از حزب دموکراتیک، هر دو پس از برگزاری انتخابات و پیش از اعلام رسمی نتایج ادعای پیروزی کردند. در شرایطی که کیباکی رقابت را برده بود، طرفداران حزب دموکراتیک با هماهنگی‌های به عمل آمده از سوی سانگ^۸ حملات از پیش طراحی شده‌ای را برای به آتش کشیدن مناطق مسکونی و تجاری و کشتار مردم به اتهام طرفداری از رئیس‌جمهور کیباکی شروع کردند. اعضای حزب اتحاد ملی و مقامات دولتی کنیا نیز برای حفظ قدرت حزب اتحاد ملی به خشونت متوسل شدند. حزب اتحاد ملی و نیروی پلیس کنیا برای سرکوب هواداران حزب دموکراتیک از تمام قدرت خود استفاده کردند. حزب اتحاد ملی از جوانان هوادار خود خواست که طرفداران حزب دموکراتیک را قتل‌عام، اموال آنها را تخریب و به زنان و دختران آنها به جرم وابستگی به حزب دموکراتیک تجاوز کنند (ICC, Ruto Case, 2010: paras. 5-6).

در این شرایط کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل متحد برای پایان دادن منازعه‌های داخلی، میانجی‌گری گفت‌وگو و آشتی ملی کنیا را بر عهده گرفت (سیدزاده ثانی و فرهادی آلاشتی، ۱۳۹۳: ۴۹). نتیجه این میانجی‌گری، پذیرش پیروزی کیباکی در انتخابات مشروط به

1. Kibaki.
2. Ruto.
3. Kosgey.
4. Sang.

۵. روتو، وزیر آموزش عالی، علوم و فناوری کنیا.

۶. گوکسی، نماینده مجلس کنیا.

7. Odinga.

۸. سانگ، رئیس شبکه رادیویی کاس اف ام کنیا.

واگذاری سمت نخست‌وزیری به اودینگا، رقیب او از حزب مخالف اعلام شد. کیبای و اودینگا در بیانیه‌ای مشترک پس از فرو نشستن درگیری‌ها و آرام شدن وضعیت کنیا اظهار کردند که خشونت‌های سیاسی صورت گرفته پس از انتخابات باید از طریق مکانیسم‌های موجود در کنیا از جمله ۱. کمیسیون سازش، عدالت و حقیقت، ۲. تعقیب کیفری و ۳. بازنگری در قانون اساسی حل‌وفصل شوند. لیکن بسیاری از نمایندگان مجلس کنیا این بیانیه را نپذیرفتند (Hansen, 4: 2011). کمیسیون تحقیق در زمینه خشونت‌های پس از انتخابات به فرمان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر وی تشکیل شد. اعضای این کمیسیون پس از تکمیل تحقیقات پیشنهاد کردند که دادگاه ویژه کنیا برای تعقیب عوامل خشونت‌های پس از انتخابات ایجاد شود. صرف‌نظر از اینکه اتحادیه آفریقا نیز صلاحیت کیفری خویش بر جرایم منطقه آفریقا را بارها در قطعنامه‌های متفاوت گوشزد کرده بود (صالحی، ۱۳۹۶: ۷۱-۷۰). لیکن طرح ایجاد دادگاه ویژه را نمایندگان مجلس کنیا رد کردند. کوفی عنان گزارشی از اطلاعات خشونت‌های داخلی و فهرست مظنونان اصلی آن را پس از شدت گرفتن اختلافات میان دولت و مجلس در حل‌وفصل خشونت‌های پس از انتخابات به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری (زین پس؛ دیوان یا دیوان کیفری) (معظمی و نامیان، ۱۳۹۴: ۱۲۲) ارائه کرد.

دادستان رأساً تحقیقات خود را با توجه به عدم اقدام مقتضی از سوی دولت کنیا در زمینه خشونت‌های صورت گرفته پس از انتخابات کنیا آغاز کرد. در این مرحله تحقیقات اولیه دادستان به منظور بررسی و تحلیل وجود «مبنای منطقی» برای کسب مجوز تحقیقات رسمی از شعبه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری (زین پس؛ شعبه مقدماتی) صورت گرفت. دادستان با در نظر گرفتن شرایط موجود و مقتضیات ماده ۱۵ اساسنامه به این نتیجه رسید که صدور مجوز انجام تحقیقات رسمی را از شعبه مقدماتی درخواست کند (1. ICC, Ruto Case, 2011: para. 1). شعبه مقدماتی درخواست دادستان برای انجام تحقیقات در زمینه جرایم در صلاحیت دیوان کیفری (رضوی فرد و نصرالهی شهری، ۱۳۹۵: ۴۱) رخ داده از سوی متهمان وقایع پس از انتخابات کنیا را پذیرفت.

با این اوصاف سؤال اصلی پژوهش این است که آیا مؤلفه‌های تشخیص معیار همان فرد، همان رفتار مدنظر دیوان دارای ابهام و مانع از اعمال صلاحیت تکمیلی دیوان در وضعیت کنیاست؟ فرضیه این پژوهش حاکی از این است که مؤلفه‌های تعیین‌کننده این معیار در وضعیت کنیا اثبات می‌کند که دولت کنیا به نحو مقتضی از صلاحیت خویش استفاده نکرده است؛ صرف‌نظر از اینکه اعمال صلاحیت کیفری از سوی دولت ذی‌صلاح جلوه‌ای از اعمال حاکمیت درون‌سرزمینی و از صلاحیتهای وی است.^۱ از این رو دیوان بین‌المللی کیفری دارای

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: پوربافرانی، ۱۳۹۶.

صلاحیت تکمیلی رسیدگی به این پرونده است. صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری منصرف از صلاحیت جهانی با قیدوبندهایی (ضیایی و حکیمی‌ها، ۱۳۹۵: ۹۷) برای تمام دولت‌ها به موازات و تنها محدود به جرایم بین‌المللی ذاتی مصرح در اساسنامه دیوان است. ساختار دیوان کیفری در کنار محاکم داخلی کشورها متضمن ایجاد صلاحیت بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم خاص است (رمضانی قوام‌آبادی و بهمنی، ۱۳۹۶: ۱). از این رو در این نوشتار جنبه‌های حقوقی تلاش‌های دادستان تا صدور مجوز انجام تحقیقات، تحقیقات کنیا تا اعتراض به صلاحیت دیوان و استدلال دادستان تا اثبات بی‌ارادگی دولت کنیا بررسی و تحلیل شود تا چشم‌اندازی فراروی علاقه‌مندان و جامعه حقوقی به عملکرد دیوان در وضعیت کنیا و تجلی اولین بی‌ارادگی دولت صاحب صلاحیت و تثبیت اعمال صلاحیت کیفری تکمیلی دیوان گشوده شود. بی‌تردید دستاوردها و نتایج این پژوهش تجربه‌ای از عینیت بخشیدن به مفاد نظری اساسنامه و دیگر مقررات دیوان کیفری در بستر حقوق بین‌الملل کیفری و فراهم شدن زمینه عملی تئوری بی‌کیفرمانی در جرایم بین‌المللی است.

تلاش‌های دادستان تا صدور مجوز انجام تحقیقات

پس از اطمینان از اینکه دولت کنیا از انجام تحقیق، تعقیب یا تشکیل دادگاه موقت پیشنهاد شده توسط کمیسیون ویژه ناتوان است (Sing'Oei, 2010: 6)، اولین اقدام دادستان دیوان علیه دولت کنیا صورت گرفت. دادستان در درخواست خود از شعبه مقدماتی برای انجام تحقیقات رسمی در وضعیت کنیا، نه تنها به دلایل جمع‌آوری شده توسط کمیسیون ویژه کنیا، بلکه به گزارش‌های تهیه شده توسط سازمان‌های بین‌المللی و داخلی کنیا نیز استناد کرد. دادستان پس از تحلیل اطلاعات ارائه شده به دادسرا تقاضا کرد که مجوز انجام تحقیقات در زمینه جرایم صورت گرفته در خشونت‌های داخلی کنیا صادر شود (ICC, Kenya Case, 2009: para. 106). شعبه مقدماتی در واکنش نیز ارائه اطلاعات تکمیلی و تحلیلی در خصوص موضوعات احتمالی در شرف تحقیقات دادستان را تقاضا کرد. دادستان فهرست محرمانه‌ای از حوادث خاص و اشخاص دارای بیشترین مسئولیت در ایجاد آن را به شعبه مقدماتی تقدیم کرد (ICC, Kenya Case, 2010: para. 122). دادستان حتی اطلاعات تکمیلی در مورد سیاست‌های سازمانی یا دولتی دخیل در افزایش خشونت‌ها را نیز به قضات شعبه مقدماتی ارائه کرد.

دیوان کیفری با رعایت اصل استقلال از دولت‌های عضو (جلالی و زیلابی، ۱۳۹۳: ۳۱) مکمل محاکم کیفری ملی است.^۱ ماهیت تکمیلی بودن صلاحیت دیوان برای حفظ اولویت

۱. ر.ک: مقدمه اساسنامه.

دولت‌ها برای اعمال صلاحیت کیفری درون‌سرزمینی^۱ خویش است، ولو اینکه به اعتقاد برخی با موانع و محدودیت‌هایی در رسیدگی‌های ملی مواجه باشد (نژندی منش و بَدَّار، ۱۳۹۶: ۲۰۱). بر این اساس اگر تحقیق یا تعقیب از سوی دولت صاحب صلاحیت در حال انجام باشد^۲، این وضعیت مانع از شروع رسیدگی دیوان است. در چنین شرایطی بر فرض طرح موضوع دیوان کیفری آن را قابل پذیرش نمی‌داند (شریعت باقری، ۱۳۹۷: ۶۹). از این منظر تأکید بر اولویت رسیدگی در سطح ملی به ارتقای سطح عدالت کیفری در دولت‌ها کمک می‌کند (مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۲۳)؛ صرف نظر از اینکه فلسفه وجودی دیوان مبتنی بر پیوند میان صلح، امنیت بین‌المللی و عدالت کیفری و تلفیق آنها با آموزه‌های حقوقی بشری است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۶: ۱۶۵). این وضعیت ناشی از همپوشانی حقوق کیفری بین‌المللی با حقوق بین‌الملل عمومی است (باقری ایبانه، ۱۳۹۶: ۱۴۵) و نظام عدالت کیفری واجد اهدافی در قلمرو بین‌المللی است.^۳ بر این اساس تکمیلی بودن صلاحیت دیوان حاکی از تعامل میان نظام ملی و نظام بین‌المللی در پایان دادن به بی‌کیفری است. در عین حال که شروع تحقیق یا تعقیب در سطح داخلی به صلاحدید دولت واگذار شده است، این به معنای انتظار دائم دیوان کیفری (صابر و ناظریان، ۱۳۹۳: ۹۷) برای شروع تحقیق یا تعقیب توسط دولت صاحب صلاحیت نیست. در عین حال که برای جلوگیری از محاکمه و مجازات مضاعف بنابر اصل اعتبار قضیه محکوم‌بها (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۴۷) تلاش می‌شود تا از ورود دیوان کیفری در پرونده‌های تحت تحقیق، تعقیب یا مجازات در سطح داخلی دولت صاحب صلاحیت جلوگیری شود. با وجود این در راستای تحقق نظام عدالت کیفری بین‌المللی^۴ و حراست از منافع و ارزش‌های مشترک جامعه بین‌المللی (زمانی و حسینی اکبرنژاد، ۱۳۹۴: ۳۱۵)، تحقیق و تعقیب وقایع داخلی کنیا از سوی شعبه مقدماتی متضمن نگاهی جدید به مقررات اساسنامه دیوان از حیث صلاحیت تکمیلی و شدت جرم است. صلاحیت تکمیلی و شدت جرم به موجب ماده (b)(۱) ۵۳ اساسنامه از اجزای مرتبط با قابلیت پذیرش دعوا در دیوان کیفری تلقی می‌شوند. از این منظر صلاحیت تکمیلی و شدت جرم به صورت توأمان مدنظر قضات قرار گرفتند تا به موجب آن دادستان در ابتدای تحقیقات به بررسی قابل پذیرش بودن دعوا به موجب ماده ۱۷ اساسنامه بپردازد که واجد صلاحیت تکمیلی و اهمیت جرم به صورت همزمان است. توجه به این ملزومات از پیچیدگی‌های وضعیت‌هایی است که سیستم‌های قضایی داخلی به تعقیب و تحقیق آن

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: فروغی و جودکی، ۱۳۹۶.

۲. ر.ک: ماده ۱۷ اساسنامه.

۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: اردبیلی و وحیددستجری، ۱۳۹۷.

۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: مؤمنی، ۱۳۹۶.

پرداخته‌اند، لیکن قضات دیوان این تحقیقات را نمی‌پذیرند. دیوان در چنین مواردی توجه دارد که آیا رفتار ارتكابی از سوی یک فرد خاص توسط دستگاه قضایی آن کشور مورد تعقیب قرار گرفته است (Schabas, 2008: 240-41) و آیا دستگاه قضایی آن کشور توانایی مقابله و اعمال صلاحیت خود را بر جرایم صورت‌گرفته دارد (Stahn, 2010: 312). دادستان در مرحله درخواست مجوز انجام تحقیقات از شعبه مقدماتی هنوز هیچ مظنون یا متهمی را با اتهام مشخص شناسایی نکرده است. با وجود این قضات شعبه مقدماتی باید پذیرش پرونده در دیوان کیفری را در شرایط ماده (b)(۱) ۵۳ اساسنامه با در نظر گرفتن شرایط صلاحیت تکمیلی و اهمیت جرم بررسی کنند. قضات برای انجام این کار باید به معیارهای مصرح در ماده (۱) ۱۷ اساسنامه در خصوص پذیرش دعوا علیه افراد خاص و نه کلیت آن بپردازند.

شعبه مقدماتی در بررسی درخواست مجوز انجام تحقیقات در وضعیت کنیا نیز با همین وضعیت مواجه شد. شعبه مقدماتی در این شرایط معیارهای صلاحیت تکمیلی مصرح در ماده (۱) ۱۷ اساسنامه را در وضعیت کنیا مدنظر قرار داد. براساس این قاعده اگر دولت کنیا به تحقیق یا تعقیب موضوع می‌پرداخت، دیوان کیفری مطابق ماده (a)(۱) ۱۷ اساسنامه در خصوص آن صلاحیت نداشت. لیکن این تحقیق یا تعقیب توسط دولت کنیا باید به‌طور واقعی انجام گرفته باشد، تا موضوع در دیوان قابل پذیرش نباشد. بنابراین اگر واقعی نبودن تحقیقات کنیا از سوی دادستان ادعا شود، شعبه مقدماتی مجبور است به ارزیابی ماهیت اقدامات صورت‌گرفته از سوی دولت کنیا بپردازد. بیان اساسنامه دربرگیرنده ضرورت تعقیب یا تحقیق واقعی از سوی مقامات کنیا علیه عوامل خشونت‌های داخلی است (Greenawalt, 2009: 108).

قضیه کنیا، اولین مرتبه‌ای است که تحقیقات آن رأساً از سوی دادستان بدون ارجاع دولت‌های عضو یا شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت می‌گیرد. بر این اساس شعبه مقدماتی با درخواست دادستان برای انجام تحقیقات در وضعیت کنیا موافقت کرد. شعبه مقدماتی در این مجوز به بیان جزئیات صلاحیت تکمیلی دیوان در وضعیت کنیا نپرداخت. آنها استدلال کردند که در این مقطع زمانی نیازی به ارزیابی بی‌ارادگی یا ناتوانی کنیا به تحقیق و تعقیب مرتکبان خشونت‌های داخلی نیست. اگرچه تفسیر مواد (b)(۱) ۵۳ و (b)(۱) ۱۷ اساسنامه محدود به پذیرش پرونده در صورت عدم تعقیب یا تحقیق از سوی دولت کنیاست. کما اینکه قضات در مرحله صدور مجوز انجام تحقیقات دادستان در وضعیتی نیستند که انجام یا فقدان تحقیق یا تعقیب نسبت به متهم خاص را ارزیابی کنند.

قضات در این مرحله تنها به ارزیابی امکان تحقیق یا تعقیب از سوی دولت کنیا می‌پردازند (Olasolo, 2005: 129). در عین حال از منظر قضات دیوان، تحقیق و تعقیب محدودی از سوی دولت کنیا صورت گرفته است. به‌دلیل اینکه حوادث و اشخاص مذکور در فهرست ارائه‌شده دادستان در تحقیقات دولت کنیا مفقودند، دادستان مجاز است به تحقیق بیشتر در وضعیت

کنیا بپردازد. پرونده‌های احتمالی پس از تحقیقات دادستان در وضعیت کنیا قابل پذیرش‌اند. دولت کنیا به‌اندازه کافی به تعقیب یا تحقیق فعالیت‌های مجرمانه در حوادث داخلی نپرداخته است. مصادیق تشخیص عدم کفایت تعقیب و تحقیق از سوی دولت کنیا و اثبات آن توسط دادستان و قضات دیوان کیفری از موضوعات شایان توجه این پرونده است که با معیار «همان فرد، همان رفتار» بررسی شده است.

دولت ذی‌صلاح براساس این معیار باید اثبات کند تا پیش از ورود دیوان کیفری در وضعیت مجرمانه مربوط به کشور وی، تعقیب و تحقیقات لازم را نسبت به همان فرد تحت تعقیب در دیوان کیفری به‌سبب همان رفتار مجرمانه مدنظر دیوان کیفری انجام داده است تا اینکه دیوان براساس آن اقناع شود که دولت در زمان لازم و پیش از ورود دیوان کیفری به پرونده از صلاحیت خود استفاده کرده است. در غیر این صورت ورود دیوان کیفری به پرونده داخلی دولت دیگر از مصادیق اعمال صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری است. اعتراض دولت ذی‌صلاح بر استفاده از صلاحیت خویش مؤخر بر ورود دیوان کیفری ولو نسبت به همان شخص یا همان رفتار مدنظر دیوان کیفری، نافی اعمال صلاحیت دیوان کیفری نیست. کما اینکه پذیرش این استدلال از سوی دولت ذی‌صلاح مستلزم دور باطل است که همیشه مانع اعمال صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری است که با فلسفه ایجاد تشکیل دیوان کیفری منافات دارد. ولو اینکه احتمال شکل‌گیری بدیلی برای دیوان کیفری بین‌المللی تحت عنوان دادگاه کیفری بین‌المللی شده مختلط وجود داشته باشد.^۱

از تحقیقات کنیا تا اعتراض به صلاحیت دیوان

دادستان فهرستی از متهمان به ارتکاب خشونت‌های داخلی را پس از تکمیل تحقیقات در وضعیت کنیا به دیوان کیفری معرفی و احضار آنها را از شعبه مقدماتی تقاضا کرد (ICC, Ruto Case, 2010: para. 224; and also, ICC, Muthaura Case, 2010: para 213). شعبه مقدماتی این افراد را احضار کرد. لیکن دولت کنیا در واکنش براساس مقررات ماده ۱۹ اساسنامه به صلاحیت دیوان اعتراض کرد. دولت کنیا در اعتراض به صلاحیت دیوان اعلام کرد که سابق بر این اشخاص مظنون به مشارکت در وقایع داخلی مشمول تحقیقات مقدماتی دولت کنیا قرار گرفته‌اند. تحقیقات کنیا در سطح استانداردهای مدنظر دیوان آغاز شده، لیکن تکمیل و ارائه گزارش میسوط آن زمان بر است (ICC, Ruto Case, 2011: para. 13)، لیکن تحقیقات در حال انجام است و به‌زودی مستندات آن به شعبه مقدماتی ارائه می‌شود. از این رو دولت کنیا درصدد است عوامل جنایات داخلی را به محاکمه بکشاند و نیازی به مداخله دیوان

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: رضوی فرد و فرجی، ۱۳۹۶.

نیست. بر این اساس دولت کنیا معتقد است که کلیه اشخاص مظنون به مشارکت در خشونت‌های داخلی از جمله متهمان مدنظر دادستان را مورد تحقیق داخلی قرار داده است. دولت کنیا معیار «همان شخص، همان رفتار» مدنظر قضات دیوان را بسیار محدود ارزیابی کرده است. از منظر دولت کنیا معیارهای وسیع‌تری برای رسیدگی به پرونده‌های پیش روی دیوان کیفری لازم است تا جایی که فضایی برای مانور قضایی و پلیسی مقامات تحقیق دولت کنیا وجود داشته باشد.

در پی اعتراض دولت کنیا به صلاحیت دیوان، شعبه مقدماتی براساس مقررات ماده ۱۹ اساسنامه به بررسی موضوع پرداخت. شعبه مقدماتی در ابتدا ضمن تحلیل ایرادات کنیا به تعریف «پرونده» پرداخت و با اشاره به رویه سابق دیوان اذعان کرد که تشریفات داخلی دولت کنیا باید متوجه همان فرد و رفتاری باشد که موضوع رسیدگی دیوان قرار گرفته است (ICC, Ruto Case, 2011: para. 78). لیکن مستندات ارائه شده از سوی دولت کنیا واجد تحقیقات همپوشان نسبت به همان فرد و رفتار نیست. هیچ اطلاعاتی در مورد گزارش اقدامات انجام گرفته مشخص از سوی دولت کنیا علیه متهمان مدنظر دیوان ارائه نشده است. اگرچه دولت کنیا بعدها تلاش کرد گزارشی از اقدامات صورت گرفته علیه متهمان خشونت‌های داخلی را به شعبه مقدماتی ارائه کند، قضات دیوان این گزارش را با استدلال ضرورت تقدم تحقیقات انجام گرفته علیه متهمان خاص پیش از ایراد به صلاحیت دیوان رد کردند. این گزارش حاوی اطلاعاتی از ابعاد تحقیقات و ادعاهای مطروح علیه روتو بود (ICC, Kenya Case, 2011: para. 15) که نشان می‌داد به تازگی دستورهای لازم از سوی مقامات ذی صلاح دولت کنیا بر انجام تحقیقات از وی صادر شده است.

تحقیقات دیوان در این مرحله به احضار متهمان رسیده و دولت کنیا تاکنون دلیلی بر نفی پذیرش پرونده در دیوان کیفری ارائه نکرده است. در این مرحله که تحقیقات دادستان منتهی به شناسایی و احضار افراد خاص شده است، لازم است که دولت کنیا دلایلی را ارائه کند که حاکی از انجام تحقیقات مقدم داخلی علیه این افراد به دلیل رفتارهای مجرمانه آنها باشد. درحالی که از سوی دولت کنیا هیچ تحقیق واقعی مقدماتی بر تحقیقات دادستان انجام نگرفته است. عدم اقدام مقتضی دولت کنیا تا این مرحله خود گواهی بر نبود تحقیقات مقدم وی در این زمینه است. رفع موانع تحقق عدالت قضایی در سطح داخلی و اصلاحات انجام گرفته در نظام قضایی و اجرایی دولت کنیا ممکن است زین پس دولت کنیا را قادر به انجام تحقیقات سازد، ولی این ادعاها هرگز به معنای تحقیقات واقعی انجام گرفته تا مقطع زمانی پیش از تحقیقات دادستان و ایراد به صلاحیت دیوان نیست. شعبه مقدماتی با طرح معیار «همان شخص/همان رفتار» نتیجه گرفت که دولت کنیا نتوانسته است سابق بر این تحقیقاتی را در خصوص متهمان مذکور برای رفتارهای مدنظر دیوان انجام دهد. شعبه مقدماتی به ایراد دولت

کنیا به صلاحیت دیوان توجهی نکرد. اگرچه دولت کنیا به این رأی اعتراض کرد، لیکن شعبه تجدیدنظر استدلال دولت کنیا را نپذیرفت و صلاحیت دیوان را تأیید کرد (ICC, Kenya Case, 2011: para. 25).

از استدلال دادستان تا اثبات بی‌ارادگی دولت کنیا

دولت کنیا پیش از این اعلام کرده بود که اصلاحات قضایی لازم در سیستم داخلی کنیا را برای شروع تحقیق و تعقیب افراد مسئول خشونت‌های داخلی انجام داده است. دادستان که اقدامات مقدماتی دولت کنیا را در فراهم کردن زمینه احقاق حقوق قربانیان خشونت‌های داخلی و برقراری حاکمیت قانون به فال نیک گرفته بود، در ابتدا خاطرنشان کرد که رفتار دولت کنیا منطبق با مقررات اساسنامه است. مسئولیت تحقیق و تعقیب جرایم در صلاحیت دیوان کیفری در ابتدا بر عهده دولت صاحب صلاحیت است (ICC, Ruto Case, 2011: para. 2). لیکن صرف ادعای کنیا برای بهره‌برداری از این امتیاز کافی نیست. دولت معترض به صلاحیت دیوان باید الزامات عدم صلاحیت دیوان را به اثبات برساند (ICC, Bemba Case, 2010: para. 201). در حالی که دولت کنیا تاکنون هیچ دلیلی بر انجام تحقیق یا تعقیب مقدم مظنونان خشونت‌های داخلی ارائه نکرده است. عدم ارائه مستندات و گزارش انجام تشریفات قانونی واقعی از سوی دولت کنیا در خصوص پرونده گشوده‌شده در دیوان به معنای صحت تحقیقات دادستان است. در عین حال که دولت کنیا هرگز ادعا نکرد که تحقیق یا تعقیب افراد تحت تعقیب دیوان را انجام داده است یا در دست اقدام آتی دارد. دولت کنیا در اعتراض به صلاحیت دیوان صرفاً به اصلاحات قانونی در سطح داخلی اشاره کرد که دو سال پس از خشونت‌های کنیا به تصویب رسیده بودند و قرار بود برای پرونده‌های مربوط به جرایم دو سال قبل به کار روند. لیکن این رویکرد با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در تضاد است (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۱۵۵).

دولت کنیا در ابتدا به استناد مقررات مواد ۱۷ و ۱۹ اساسنامه می‌پذیرد که لازمه اعتراض به صلاحیت دیوان اثبات قصد یا انجام تحقیق یا تعقیب اشخاص مدنظر دیوان به سبب رفتارهای خاص آنهاست. لیکن دولت کنیا بعدها اذعان می‌کند که اصلاحات قانونی لازم برای تحقیق یا تعقیب افراد متهم به خشونت‌های داخلی هنوز در حال انجام و ناتمام است. دولت کنیا حتی برای تکمیل اصلاحات در قوانین داخلی از دیوان تقاضای فرصت بیشتر می‌کند تا پس از آن تحقیقات را «از افراد دارای جرایم کم‌اهمیت‌تر شروع کند و آن را به افراد دارای مسئولیت بیشتر در خشونت‌های داخلی برساند» (ICC, Ruto Case, 2011: para. 71). دولت کنیا با این پیش‌فرض‌ها نتیجه می‌گیرد که اگر فرصتی برای اصلاحات لازم در قوانین داخلی به او داده شود، آن زمان مقدمات غیرقابل پذیرش بودن پرونده به موجب ماده (a) ۱۷(۱) اساسنامه

در دیوان کیفری فراهم می‌شود. دیوان باید اعتراض دولت کنیا را بدون توجه به تاریخ فعلی، از آن موقع به بعد مدنظر قرار دهد و صلاحیت خود را در این پرونده رد کند.

این در حالی است که نص ماده (a) ۱۷(۱) اساسنامه اجازهٔ چنین تفسیری را نمی‌دهد. رویهٔ دیوان کیفری در پروندهٔ کاتانگا^۱ نشان می‌دهد که قابلیت پذیرش پرونده به موجب ماده (a) ۱۷(۱) اساسنامه باید «براساس دلایلی صورت گیرد که در زمان ایراد به صلاحیت دیوان وجود دارند» (ICC, Katanga Case, 2009: para. 56). شعبهٔ مقدماتی در پروندهٔ گنی و دیگران^۲ تأکید کرده است که نمی‌توان براساس احتمالات در انجام تشریفات آتی در سطح ملی، صلاحیت دیوان را مشخص کرد (ICC, Kony Case, 2009: paras. 47-52)، چراکه دیوان برای تعیین قابلیت پذیرش پرونده باید تحقیق یا تعقیب انجام شده پیشین از سوی دولت صاحب صلاحیت را مدنظر قرار دهد. دیوان کیفری نمی‌تواند براساس وعده‌های دولت صاحب صلاحیت برای تحقیق یا تعقیب احتمالی در سطح داخلی به نفی صلاحیت خود اقدام کند. از این رو تعیین غیرقابل پذیرش بودن پرونده به موجب ماده (a) ۱۷(۱) اساسنامه مشروط به اثبات تحقیق یا تعقیب در حال انجام در زمان اعتراض به صلاحیت دیوان است. فقدان این پیش شرط با دارا بودن دیگر شرایط لازم از جمله ماده (d) ۱۷(۱) اساسنامه به معنای پذیرش صلاحیت دیوان است.

دولت کنیا حتی اگر تحقیق یا تعقیب افراد دیگری غیر از افراد مدنظر دیوان در پروندهٔ تحقیقات دادستان را انجام داده باشد، این رویکرد نیز به معنای تحقیق یا تعقیب مدنظر ماده (a) ۱۷(۱) اساسنامه نیست. به همین نحو اگر دولت کنیا تحقیق یا تعقیب را نسبت به همان افراد مدنظر دیوان انجام دهد، در حالی که در مورد رفتارهای مدنظر دیوان نباشد، گویی که هیچ اقدامی انجام نداده است (ICC, Katanga Case, 2009: paras. 51-59). از این رو دیوان تنها زمانی می‌تواند صلاحیت خود را در پرونده‌ای رد کند که دولت صاحب صلاحیت، تحقیق یا تعقیب را نسبت به همان فرد مدنظر دیوان به سبب رفتارهای تحت تحقیق یا تعقیب او در دیوان انجام داده باشد (ICC, Harun Case, 2007: para. 38; ICC, Lubanga Case, 2006: para. 24; ICC, Bemba Case, 2008: para. 21; ICC, Al Bashir Case, 2009: para. 50; and also, ICC, Abu Garda Case, 2009: para. 4). سیستم ایجادشده به موجب اساسنامه برای قابلیت پذیرش پرونده در دیوان مبتنی بر مکانیسم؛ اطلاع‌رسانی زودهنگام به دولت‌ها در خصوص قصد دادستان بر شروع تحقیقات^۳، محدودیت زمانی یک ماه برای دولت‌ها مبنی بر وجود سابقهٔ تعقیب یا تحقیق در این زمینه^۴، اعتراض به صلاحیت دیوان در اولین فرصت از

1. Katanga.
2. Kony

۳. ر.ک: ماده (۱) ۱۸ اساسنامه.

۴. ر.ک: ماده (۲) ۱۸ اساسنامه.

سوی دولت مجری تحقیق یا تعقیب پرونده در دست رسیدگی دیوان^۱، محدودیت در تعداد اعتراض دولت صاحب صلاحیت به صلاحیت دیوان^۲ است. هدف این مکانیسم رعایت حقوق دولت صاحب صلاحیت (آقای جنت مکان، ۱۳۹۲: ۸۹) و در عین حال جلوگیری دولت از مداخله و ایجاد مانع در رسیدگی دیوان از طریق ایراد به صلاحیت است.

مستندات ارائه‌شده از سوی دولت کنیا نشان می‌دهد که دادستان عمومی کنیا در مورخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ خطاب به افسر پلیس تحقیقات مرقوم کرده است که «کلیه افراد دخیل در وقایع خشونت‌های پس از انتخابات از جمله متهمان موضوع صلاحیت دیوان کیفری مورد تحقیق و بازجویی قرار گیرند» (ICC, Kenya Case, 2011: para. 3). این دستور نشان می‌دهد که متهمان مدنظر دیوان کیفری تا تاریخ ایراد دولت کنیا به صلاحیت دیوان (۳۰ مارس ۲۰۱۱) هنوز مشمول تحقیقات داخلی و مراحل مقدماتی تشکیل پرونده قرار نگرفته‌اند. به همین نحو سایر مستندات ارائه‌شده نشان نمی‌دهند که تعقیب یا تحقیق از متهمان برای رفتارهایی است که از اتهامات اصلی آنها در دیوان است. این پیوست‌ها تنها نشان‌دهنده تصویب قانون لازم برای تعقیب جرایم صورت گرفته پس از انتخابات در کنیا؛ گزارش دولت کنیا بر توانایی تعقیب جرایم مذکور و اشاره به عملیاتی شدن برنامه حمایت از شهود؛ مباحث کلی در خصوص اصل صلاحیت تکمیلی؛ ارائه مستندات نشان‌دهنده توانایی و تمایل کامل دولت بر محاکمه داخلی عوامل خشونت‌های پس از انتخابات و اشاره به کلیت مراحل انجام گرفته برای تعقیب این جرایم، به‌نحوی که دربرگیرنده هیچ اقدامی علیه متهمان به ارتکاب جرایم در صلاحیت دیوان نیست. از این رو محتویات مستندات دولت کنیا گویای مطالب بارزشی در اثبات ادعاهای مطرح‌شده در ایراد به صلاحیت دیوان نیست. دولت کنیا در رد صلاحیت دیوان هیچ مستند شایان توجهی را در اثبات تحقیق یا تعقیب جرایم متهمان مدنظر دیوان ارائه نکرده است.

نتیجه‌گیری

دخالت دیوان در قضیه کنیا زمانی شروع شد که شعبه مقدماتی مجوز تحقیقات در وضعیت کنیا را برای دادستان صادر کرد، با این ادعا که دولت کنیا به تحقیق یا تعقیب عوامل دارای مسئولیت برای خشونت‌های داخلی اقدام نکرده است. این اولین مرتبه‌ای بود که یک دولت عضو دیوان، اعمال صلاحیت دیوان را به چالش کشید، با این استدلال که دولت در حال انجام تحقیقات در زمینه جرایم ادعا شده است و دیوان باید پیش از مداخله در این قضیه فرصت و آزادی عمل به وی دهد. دولت کنیا به استناد به ماده (۱)(a) ۱۷ اساسنامه اعتقاد داشت که

۱. ر.ک: ماده (۵) ۱۹ اساسنامه.

۲. ر.ک: ماده (۴) ۱۹ اساسنامه.

مسئولیت رسیدگی به این پرونده با وی است. از این منظر تا زمانی که دولت دارای صلاحیت به تحقیق یا تعقیب این پرونده می‌پردازد، دیوان حق ورود به آن را ندارد، مگر اینکه دولت مذکور نخواهد یا نتواند به تحقیق یا تعقیب بپردازد. صرف نظر از اینکه عدم تمایل دولت ذی صلاح برای مصون نگه داشتن متهم از مسئولیت کیفری یا حاکمی از عدم استقلال و بی طرفی در رسیدگی باشد.^۱ با وجود این دولت کنیا مدعی اعلام تمایل و توانایی خود در تحقیق و تعقیب عوامل خشونت‌های داخلی بود. لیکن شعبه مقدماتی مفهوم جدیدی از مقررات ماده (۱) (a) ۱۷ اساسنامه ارائه کرد. شعبه مقدماتی قائل به این نظریه بود که مسئولیت دولت دارای صلاحیت به صرف تحقیق و تعقیب منتفی نمی‌شود. دولت دارای صلاحیت علاوه بر این موظف است که به تحقیق و تعقیب «همان رفتار از همان فردی» بپردازد که واقعاً مرتکب جرم شده و برای آن جرم دارای مسئولیت کیفری است. لیکن دولت کنیا معتقد بود که شعبه مقدماتی در خصوص مقررات ماده (۱) (b) ۱۷ اساسنامه مبنی بر «پرونده در دست تحقیق» دچار اشتباه شده که معیار «همان شخص، همان رفتار» را به آن افزوده است. این معیار که شعبه مقدماتی نیز تصور می‌کرد دولت کنیا آن را به خوبی متوجه نشده، واجد این مفهوم است که تحقیق در سطح ملی باید متوجه همان رفتار و همان شخصی باشد که مشمول صلاحیت دیوان قرار گرفته است. ولی دولت کنیا ادعا می‌کرد که ماده ۱۷ اساسنامه الزاماً باید انعطاف داشته باشد تا اینکه دولت بتواند به تشخیص خود به تعقیب افراد بپردازد. لیکن این دیدگاه مورد پذیرش قضات دیوان کیفری قرار نگرفت. با این اوصاف وضعیت کنیا فرصتی را برای بهره‌برداری از معیارهای مدنظر اساسنامه برای صلاحیت تکمیلی به وجود آورد. وضعیت کنیا اولین پرونده‌ای بود که دادستان تحقیق در آن را به موجب اختیارات خود براساس ماده ۱۵ اساسنامه آغاز کرد، بدون اینکه وضعیت کنیا از سوی دولت کنیا یا شورای امنیت به او ارجاع شده باشد.^۲ در جایی که دولت‌ها به صراحت بی‌ارادگی یا ناتوانی در تعقیب یا تحقیق جرایم صورت گرفته در قلمرو خود را اعلام کرده و مداخله دیوان را درخواست می‌کنند. با وجود این دولتی که خود را قادر به تعقیب داخلی جرایم صورت گرفته در قلمرو خود می‌داند و اقدامات کمی را در این زمینه انجام می‌دهد یا اقدامات تعقیبی را علیه هیچ‌یک از مرتکبان جرایم انجام نمی‌دهد، باید از منظر اعمال صلاحیت تکمیلی نیز بررسی شود. وضعیت دولت کنیا از این دست است. رویه دیوان کیفری در این پرونده نشان می‌دهد که بی‌ارادگی دولت با معیار «همان فرد، همان رفتار» به خوبی قابل ارزیابی است. در جایی که دولت کنیا افراد غیرمدنظر دیوان را مشمول تحقیقات قرار داده و به صراحت اعلام کرده است که معیار همان فرد و همان رفتار را قبول ندارد و قائل به آزادی

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: خالقی و مظاهری، ۱۳۹۱.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: صالحی، ۱۳۹۳.

عمل و برخورداری از اختیارات در این زمینه است، اعمال صلاحیت تکمیلی دیوان موضوعی منطبق با مقررات اساسنامه است. علاوه بر این وعده دولت کنیا بر انجام خواسته‌های دیوان در آینده نیز نمی‌تواند مبنای قانونی برای صرف‌نظر کردن دیوان از اعمال صلاحیت خود باشد، کما اینکه دولت کنیا حسن نیت خود را در این زمینه با فرصت‌سوزی مخدوش کرده است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. آقای جنت مکان، حسین (۱۳۹۲). *حقوق بشر در محاکمات کیفری بین‌المللی*، تهران: جنگل.
۲. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۷). *حقوق کیفری بین‌المللی*، چ پانزدهم، تهران: جنگل.
۳. مظاهری، امیرمسعود (۱۳۹۳). *اصل صلاحیت تکمیلی دیوان بین‌المللی کیفری*، تهران: میزان.
۴. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵). *دادگاه کیفری بین‌المللی*، چ نهم، تهران: دادگستر.

ب) مقالات

۵. اردبیلی، محمد؛ وحیددستجردی، فاطمه (۱۳۹۷). «اهداف نظام کیفری بین‌المللی در اسناد و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ش ۸۱، ص ۸۷-۶۵.
۶. باقری ایبانه، علیرضا (۱۳۹۶). «انسجام حقوقی در حقوق کیفری بین‌المللی با توجه به کثرت در منشأ و ارگان‌های اجرایی-قضایی»، *پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، دوره ۵، ش ۹، ص ۱۶۷-۱۴۵.
۷. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۶). «صلاحیت داخلی در رسیدگی به جنایت تجاوز ارضی»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال هشتم، ش ۲ (پیاپی ۱۶)، ص ۲۹-۷.
۸. جلالی، محمود؛ زیلابی، سلمان (۱۳۹۳). «اصل استقلال قضایی در دیوان بین‌المللی کیفری»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۸، ش ۲، ص ۴۷-۲۳.
۹. خالقی، علی؛ مظاهری، امیرمسعود (۱۳۹۱). «عدم تمایل دولت به رسیدگی: یکی از موانع قابل پذیرش موضوع در دیوان کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه حقوق*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۲، ش ۳، ص ۱۷۶-۱۵۹.
۱۰. رضوی فرد، بهزاد؛ نصرالهی شهری، نیما (۱۳۹۵). «اشکال متفاوت تعارض صلاحیت در

- حقوق بین الملل کیفری در پرتو اساسنامه دیوان بین المللی کیفری»، مجله مطالعات حقوقی، دوره ۸، ش ۲، صص ۵۷-۳۳.
۱۱. رضوی فرد، بهزاد؛ فرجی، محمد (۱۳۹۶). «تشکیل دادگاه کیفری بین المللی شده (مختلط) کامبوج؛ مبانی و چالش‌ها»، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۳۴، ش ۵۷، صص ۳۳۳-۳۱۳.
۱۲. رضائی قوام آبادی، محمدحسین؛ بهمنی، منصور (۱۳۹۶). «تحقق عدالت کیفری بین المللی در آفریقا؛ موانع و راهکارها»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، ش ۱، صص ۲۶-۱.
۱۳. زمانی، قاسم؛ حسنی اکبرنژاد، هاله (۱۳۹۴). «جامعه بین المللی و عدالت کیفری جهانی، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی»، دوره ۴۵، ش ۳، صص ۳۳۹-۳۱۵.
۱۴. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۶)، «تأملی بر ظرفیت‌های دیوان بین المللی کیفری در حمایت از حقوق بشر»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۱۳، صص ۱۹۲-۱۶۵.
۱۵. سیدزاده ثانی، مهدی؛ فرهادی آلاشتی، زهرا (۱۳۹۳). «جنايات جنگی در منازعه‌های داخلی و بین المللی؛ مبانی و مصادیق تمایز»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین الملل، سال ۳، ش ۱، صص ۷۱-۴۴.
۱۶. صابر، محمود؛ نظریان، حسین (۱۳۹۳). «مهلت معقول دادرسی در دیوان کیفری بین المللی و آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، ش ۴، صص ۷۲-۴۷.
۱۷. صالحی، جواد (۱۳۹۳). «ارجاع وضعیت کنیا به دیوان کیفری: جلوه‌ای از اختیارات دادستان در ماده ۱۵ اساسنامه»، فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس، سال چهارم، ش ۱۸، صص ۵۰-۳۷.
۱۸. ----- (۱۳۹۶). «چالش‌های دیوان کیفری بین المللی در پیگیری پرونده رئیس جمهور سودان: از مخالفت اتحادیه آفریقا تا عدم همکاری کشورهای عضو اتحادیه»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۹، ش ۵۷، صص ۸۹-۶۹.
۱۹. ضیایی، یاسر؛ حکیمی‌ها، سعید (۱۳۹۵). «شرایط حقوقی اعمال صلاحیت جهانی در حقوق بین الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۸، ش ۵۳، صص ۱۲۲-۹۷.
۲۰. فروغی، فضل‌اله؛ جودکی، بهزاد (۱۳۹۶). «راه‌حل‌های تعارض صلاحیت در قلمرو حقوق جزای بین الملل»، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۳۴، ش ۵۷، صص ۲۸۵-۲۴۹.
۲۱. معظمی، شهلا؛ نامیان، پیمان (۱۳۹۴). «نسل سوم محاکم کیفری بین المللی؛ دستاوردها، هنجارها و چالش‌ها»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۳، ش ۱۱، صص ۱۴۶-۱۱۳.
۲۲. مؤمنی، مهدی (۱۳۹۵). «اصول قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در دادرسی‌های کیفری بین المللی»، مجله حقوقی بین المللی، دوره ۳۳، ش ۵۵، صص ۱۸۴-۱۵۹.
۲۳. ----- (۱۳۹۶). «ارزیابی اعمال صلاحیت جزایی ایران و دیوان کیفری

بین‌المللی نسبت به جنایات ارتكابی داعش در سوریه و عراق»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، ش ۱، ص ۱۷۶-۱۴۹.

۲۴. نژندی‌منش، هیبت‌الله؛ بذار، وحید (۱۳۹۶). «تکمیلی بودن صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری و جنایت تجاوز»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۱۴، ص ۲۲۴-۲۰۱.

۲. انگلیسی

A) Books

25. Schabas, A. William (2008). "Prosecutorial Discretion and Gravity", in Carsten Stahn and Göran Sluiter (eds.), *The Emerging Practice of the International Criminal Court, Legal Aspects of International Organizations*, Vol. 48, Martinus Nijhoff, Leiden, pp. 229-246.

B) Articles

26. Greenawalt, K. A. Alexander (2009). "Complementarity in Crisis: Uganda, Alternative Justice, and the International Criminal Court", *Virginia Journal of International Law*, Vol. 50 (107), pp. 107-162.
27. Hansen, O. Thomas (2011). "The Policy Requirement in Crimes Against Humanity: Lessons from and for the Case of Kenya", *George Washington International Law Review*, Vol. 43 (1), pp. 1-42.
28. Olasolo, Hector (2005). "The Triggering Procedure of the International Criminal Court, Procedural Treatment of the Principle of Complementarity, and the Role of Office of the Prosecutor", *International Criminal Law Review*, Vol. 5 (1), pp. 121-146.
29. Sing'Oei, K. Abraham (2010). "The ICC as Arbiter in Kenya's Post-Electoral Violence", *Minnesota Journal of International Law*, Vol. 19, pp. 5-20.
30. Stahn, Carsten (2010). "Perspectives on Katanga: An Introduction", *Leiden Journal of International Law*, Vol. 23 (2), pp. 311-318.

C) Cases

31. ICC, Prosecutor v. Abu Garda, Decision on the Prosecutor's Application under Article 58, Case No. ICC-02/05-02/09-15-AnxA, 7 May 2009.
32. ICC, Prosecutor v. Ahmad Harun and Ali Kushayb, Decision on the Prosecution Application under Art. 58(7) of the Statute, Case No. ICC-02/05-01/07-1-Corr, 27 April 2007.
33. ICC, Prosecutor v. Al Bashir, Decision on the Prosecution's Application for a Warrant of Arrest against Omar Hassan Ahmad Al Bashir, Case No. ICC-02/05-01/09-3, 4 March 2009.
34. ICC, Prosecutor v. Bemba, Decision on the Prosecutor's Application for a Warrant of Arrest against Jean-Pierre Bemba Gombo, Case No. ICC-01/05-01/08-14-tENG, 10 June 2008.
35. ICC, Prosecutor v. Bemba, Decision on the Admissibility and Abuse of Process

- Challenges, Case No. ICC-01/05-01/08-802, 24 June 2010.
36. ICC, Prosecutor v. Katanga and Ngudjolo, Judgment on the Appeal of Mr. Katanga against the Oral Decision of Trial Chamber II of 12 June 2009 on the Admissibility of the Case, Case No. ICC-01/04-01/07-1497, 25 September 2009.
 37. ICC, Prosecutor v. Kony et al., Decision on the admissibility of the case under article 19(1) of the Statute, Case No. ICC-02/04-01/05-377, 10 March 2009.
 38. ICC, Prosecutor v. Lubanga, Decision on the Prosecutor's Application for a Warrant of Arrest, Case No. ICC-01/04-01/06-8-Corr, 24 February 2006.
 39. ICC, Prosecutor v. Muthaura et al., Prosecutor's Application Pursuant to Article 58, Case No. ICC-01/09-02/11, 15 Dec. 2010.
 40. ICC, Prosecutor v. Ruto et al., Prosecutor's Application Pursuant to Article 58, Case No. ICC-01/09-30, 15 Dec. 2010.
 41. ICC, Prosecutor v. Ruto et al., Decision on the Application by the Government of Kenya Challenging the Admissibility of the Case Pursuant to Article 19(2)(b) of the Statute, Case No. ICC-01/09-02/11, 30 May 2011.
 42. ICC, Situation in the Republic of Kenya, Request for Authorisation of an Investigation Pursuant to Article 15, Case No. ICC-01/09-3, 26 November 2009.
 43. ICC, Situation in the Republic of Kenya, Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Kenya, Case No. ICC-01/09-19-Corr, 31 March 2010.
 44. ICC, Situation in the Republic of Kenya, Judgment on the Appeal of the Republic of Kenya Against the Decision of Pre-trial Chamber II of 30 May 2011 Entitled: Decision on the Application by the Government of Kenya Challenging the Admissibility of the Case Pursuant to Article 19(2)(b) of the Statute, Case No. ICC-01/09-02/11-274, 30 Aug. 2011.